

## عنوان مقاله:

متون دینی، از بدیهی انگاری تا انگاره زدایی

## محل انتشار:

تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره 21، شماره 2 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

## نویسنده:

محمد حسن احمدی - دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## خلاصه مقاله:

منحصر کردن خاستگاه اندیشیدن و پژوهش، به مواضع ایجاد سوال و به عبارتی، مسئله محور بودن یک پژوهش، همیشه راهگشا نیست. این مسئله در خصوص پژوهش در مواجهه با متون دینی به ویژه در مواردی که خوانش گر، احساس دل آسودگی بیشتری از فهم معنای متن می کند؛ می تواند آسیب زا باشد. از این رو و با توجه به این که متون دینی، خاستگاه اصلی معارف و آموزه های دینی تلقی می شوند؛ ارتباط بین این آموزه ها و متون، نیازمند نکته سنجی بیشتری است. صرف نظر از مقبول بودن یک معرفت و آموزه خاص، اما مستند کردن آن به یک متن دینی خاص، نیازمند دقت بیشتری است. در حوزه تفسیر متن و به ویژه تفسیر قرآن کریم، بدیهی انگاری معنای متن و در وجهه بارز آن، فارسی شدگی معنای متن، آسیبی جدی در این خصوص است. چه آن که بسیاری از مضامین، اگرچه نامقبول نیستند، اما انتساب و استناد آن به متن دینی، قابل دفاع نیست. به طور کلی عدم توجه به تفاوت ادبیات زمان خوانش متن و زمان صدور متن، موجب ایجاد آسیب بدیهی انگاری در ترجمه متن است. در این میان، باید از تسری مفهوم امروزی یک اصطلاح تاریخی به گذشته (استصحاب تاریخی قهقراپی) پرهیز کرد. در نهایت، دستاورد این پژوهش آن خواهد بود که در مواجهه با متن دینی، لازم است که متن از جهت اثرپذیری از انگاره های خوانش گر متن، مورد آزمون قرار گیرد.

## کلمات کلیدی:

متون دینی، روش شناسی، تفسیر قرآن، بدیهی انگاری، انگاره

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2088393>

